



رهائی

سال اول شماره ۲۴
سه شنبه ۱۴ اسفندماه ۱۳۵۸
نکسماره ۲۰ ریال

در این شماره :

• انتخابات

کوشه‌ای از جدال نیروها

• نقدی بر نظرات «راه کارگر» (۴)

خط ۴ یا خط لیوشائوچی؟

• گنبد

ترور سفید رژیم بنی صدر

• بحران انرژی

آیا چنین بحرانی وجود دارد؟

• فدائیان خلق

پدر خواندگان جنبش چپ!!

• روز جهانی زن

بیانیه مشترک شورای همبستگی زنان



انتخابات

گوشه‌ای از جدال نیروها

با نزدیک شدن انتخابات مجلس مقصدین‌پای سیاسی و جدال نیروهای مختلف اجتماعی که با انگیره‌ها و هددین‌های کاملاً متفاوت و متضادی اعلام شرکت در انتخابات را نموده‌اند، حادثه می‌گردد. این مقاله درگذشته بر قائل بررسی بود. باره‌ای از نیروها برای شرکت و نزدیک شدن به مدار قدرت، برخی دیگر جهت بسط موقعیت‌های حوس و عده‌ای نیز جهت بسط حواسنها و افسارگرفتن حواسنها حاکم آمده‌ی شرکت در انتخابات را انتخاب‌های بی‌اراده‌ی هم اکنون اما، تا بوجد به باره‌ای از تصمیم‌گیریه‌ای رژیم جمهوری اسلامی و نیز سراسر حاکم بر نیروهای سیاسی، تعمیراتی در روند و مضمون خود انتخابات بوجود آمده که لازم به بررسی است. چه نیروهایی در انتخابات شرکت می‌کنند و جهت‌گیری سیاسی آنها چیست؟ از مهمترین نیروها می‌توان روحانیون و اسد به جناح مسلط قدرت (اکثریت شورای انقلاب، حزب جمهوری اسلامی...)، "لیبرال‌های" حتی اقلیت قدرت حاکم، اختلاف جنبه‌ی ملی و جناح مدنی، نیروهای حب، محاهدین و غیرمدین و اسد به سرکارهایی سیاسی مسلط را نام برد. جناح مسلط قدرت حاکم با نفوذی که از طریق روحانیون در انظار مختلف جامعه بویزه جرده بروروری سیاسی ایران دارد و تا دارا بودن کنترل نسبی بر شورای انقلاب، باره ای از نهادهای حماس دولتی، ارجمه وزارت کشور، مراجع قضایی، و هم چنین باره‌ای از ارکانهای استظامی اساه ناسداران، کمیته‌ها... در حال حاضر عمده‌ترین نیروی سیاسی را تشکیل می‌دهد. این نیرو بویزه تا قدری از طریق انتخابات دو مرحله‌ای و فائل شدن به احزاب اکثریت مطلق آرا. می‌توان شرط بروروری در انتخابات و مقدمات دیگری که از هم اکنون

جهت ضد دموکراسی‌ها حتی هر چه سیر سراسر انتخابات مدارک دیده است، آرایش کوسه‌های خود را جهت قصبه نمودن کرسی‌های مجلس و تثبیت نوعیت جوتن در فوه متنه بر می‌کند.

در این میان جناح "لیبرال" و اقلیت در قدرت که مدتی پیش علیرغم در دست‌داسی ارکانهای اجرائی از حمله هیئت دولت و کنترل بر امور اقتصادی، در جدال با خرده بورژوازی ضربات حائیه‌ای جورده بود، هم اکنون از نو به میدان آمده و با توجه به اوضاع نابسامان اقتصادی و بحران سیاسی موجود، در کنار رار انتخاباتی شرکت می‌نمایند. این جناح که بازرترین شخصیت آن می‌دین باررکان می‌باشد در کنار کسانی چون عزت‌الله سعایی و زسر مناور و سرپرست برنامه و بودجه و معین فر و سرپرست نفت... که همگی در جناح اقلیت شورای انقلاب قرار دارند، سعی وافر دارند که با پیروزی در انتخابات آبرو و حیثیت جدیدی را در کالبد نیمه جان سرمایه‌داران "لیبرال" تمدید و این نظام مرده را از نو آب‌حیات دهند.

از میان جدیدالولاده‌ترین نیروها آسای ندیمی که بار دیگر ساس خود را در عرصه‌ی محادلات سیاسی اسد آرماس کذارده می‌توان به ائتلاف جنبه‌ی ملی - مدنی برخورد کرد. این جریان که راست‌ترین جناح سیاسی سرمایه‌داری "لیبرال" ایران را تشکیل می‌دهد بویزه در ربر سابه‌ی "اعشاری" که دربار رژیم طاغوت آرماس مهنری و جمهوری اسلامی در انتخابات رتس جمهوری گذشته کس کرده بود، بر آست که می‌توان یک ائتلاف سیاسی جدی در مقابل سایر رفا فد علم کند و نشان دهد که تنها اوست که می‌تواند در صورت کسب قدرت به بهترین وجه سرمایه‌داری رنگ و رو ساجنه‌ی ایران

را بارسازی نماید. آری جنبه‌ی ملی بار دیگر به میدان می‌آید جنبه‌ی اینبار ربر جبر زوال سابق ارتس شاهنشاهی و جلاد خلق عرب‌جورسان، زیر برجم همان نوع حربانات ساحبه سده‌ای که سابقا از دیکتاتورسان بکوه و شکانت سر داده بود. این نیرو هنوز سما‌ی واقعی خود را ربر بوس مردم ترب "معدنی به انقلاب اسلامی" نشان می‌کند تا مسادا روحانیون و اسلامون را بر آسفه سارد و بی‌مهری آنها را بسبب خود موجب شود. اما

خوشختانه هم کارنامه‌ی سیاسی جنبه‌ی ملی و هم هویت واقعی جناب دریادار شناخته‌تر از آنست که بتوان برای موقعیت در انتخابات حسی از گرم اسلام و اسلامون قین حسب.

نیروهای حب علیرغم کوشش‌های باره ای اسارماسها و ارجمه سازمارما جهت نزدیک کردن صفوف خود و اتحاد صف مسفل حب، مسافانه تا بحال موفق به ایجاد حداقل ائتلاف اسد و آراسترو صف مسفل حب بسکیل نگردید و هر یک از نیروها بی‌ارسطا تا دیکتران راسا وارد کارزار انتخابات شدند. در این میان محاهدین خلق با اعلام لیبس مسرک از اعما و متحدسان نایبه‌س از هر چیز اسد های از حبها و بویزه فدائیان بوم رداشی گردیدوا درسی اسن اسررا کسه محاهدین درسی اسد درسی الووع جبهه مسرک تا حبها هسندار دیکتر برای لعب به تصاوت عسا مه کذارندند. اسنگ ناید بیش از هر زمان دیکتر واقعبات جای نوهما ب را بکیرند لیکن بنظر ما مسافانه این امر محرز نیست و هنوز تجربه در بی تجربه مقام تحلیل و بسس را بررررر وقابع و رویدادهای آئنده، احرار نموده است.

همین‌اکنون مسافان و موثلفینشان بویزه با توجه به

نقدی بر نظرات «راه کارگر» (۴)

خط ۴ یا خط لیوشائوچی؟

اساتذات طریق برهان حلف

نوسندگان "راه کارگر" پس از کوسن در ردی "سوسال-امیرالینم" شیخه منکرند که بنا بر این سوری سوسالینسی است. مطابق این منطق بدستها کشورهای عقب مانده کسه هیکدام "سوسال امیرالینسی" سمیدجملگی سوسال-لینسدیلکه میبوان آراه همه کشورهای غربی نیزعمیم داد چون بدون بردن آنها نیز سوسال امیرالینم نیستند! این سوه "منطق" که ابتدا دودیل برای خود مبرادوسین سا ردیکی اساتذتگری را منحوید آنقدر عیجادی است که بیاری به رد کردن ندارد. حسن سوه منطقی را بارها در سال اخیر از جانب منحرفان اسلامی دیدیم و ارفرط عیبت، بدان چندین بار با نظام شاههای باجمهوری اسلامی، اگر با این سوسی تا آن هسی و کدا.

حالت بر اینکه رفعا مقدار معیاشی به مائونست هسا مینارند که سوه برچوردان غیرعلمی است چون در بحث حدود عرفی ارسوسالینم ارائه نمدهند. ناخودی تمام اسن بحس ارسوسه را حوادیم تا میدا که رفقای راه کارگر اسن بنفید را احیران کنند و ما بنفیم مطابق چه عرف و برداشتی ارسوسالینم، سوری سوسالینسی است. حسن سوه سوه بود صحوبرهان حلف را ندست داد.

بنفید حرکت رفتا بدین گونه است:

"در این کموریک سوه سولید سوسالینسی اسفرار یافته است و ماسات ملط بولید... سوسالینسی بودا (لاذیل در دوره ای از حکومت اسالین)؛ آنکه هجدید نظر طلبی ظاهرده است."

اولا معلوم نیست کجا اساتذت سوه سوه بولید ملط در دور ۴ اسالین سوسالینسی بوده است؛ رفقای راه کارگر که اسن رحمت را بچود داده اند و بحس کمونسی چنان سرکه تا کسبون حسی حکمی تا در بر کرده است. البته ظنمداران اسالین حسی منکوب دولتی تصور میکنیم حسی استدلالی سیه هادب طلیندن روانه اردم خود است. باره ای از ملطمان با سردل سول سوب محدر اص آتات در آن میدانند. اما بنبراست کمونستینا با س سوه استدلال موبل سوبد. با بنیافرض کنیم که حسی بوده است و بعدین قول "راه کارگر" هجدید نظر طلبی ظاهرده است. اما معلوم نیست در یک جامعه سوسالینسی چرا کارگران حوسی بدلیسان مبرید و میگذارتند که هجدید نظر طلبی ظاهر نشود. مگر آنکه فرض کنیم که آهادل حوسی از آن سوسالینسی که راه کارگر مدعی است در سوری وجود داشته، بداسه اند. ولی با کمال بحیرما هده میکنیم که با دهم بدیده که هجدید نظر طلبی ظاهرده است، زیرا اسن مسئله باعث شده که مان... سی و اساتذت نظام سوسالینسی پس از گذشت دوده ده ارجا کمینست

حروصحتها و برریفها به سبها ستر سوبد بلکه اسحکام و عالی سیری بنا بد و عبارت دیگر نظام سوسالینسی دوران اسالین با عورازگانال رونیوسیم حروسحفتی مکامل سوبد؛ برای نااوران نقل این عبارت ارسوسه راه کارگر آموخته است:

"با اینکه دوده مدت قابل توجهی اساولی جامعه سوری در اس مدت درجهت سرما به داری سیر بر رفعا است بلکه پایه های اقتصاد سوسالینسی در سوری سببه دوده نسل مستحکم برنده است"

آنا اگر این برخورد را صرفا "صحک بنامیم به رفقا بوه س کرده ایم؟ اسالین ماسات سوسالینسی را برقرار ممود. عده ای خاش ظاهریدند. حیاتها کردند که سوب سا سبت حیاتها کردند که کفنی سبت و صما "پایه های اقتصاد سوسالینسی را مستحکم برمودند"؛ که چه بهتر.

میرسم رفقا چرا نه حروسحفت آقدر بد میکنند؟ اگر بدچینس است ما چرا بدینال مدهسند. مگر در دوران اووادا مدهسده حلقش برزف بقول سما با نه های اقتصاد سوسالینسی "مستحکمتر" شد. دیگر از خان اوچه میخواهد؟ حروسحفت حق دارد که بحسوب ارشما بسا رنکران یاسد. سما برخلاف عده ای معیندینست که او جا مبر اسوسال امیرالینسی کرده. برعکس معیندینست که او ماع در دوران او بهتر هم شده است ولی با اینهمه نه او سبت میکنند. چرا؟ چون بدکفین نه حروسحفت فعلا "اسم سب" است. اس مسئله را با بصوری که از سرچورد دیگر "راه کارگر" در مورد حزب کمونیس سوری داسیم و در شماره کدست بدای بردا حسم جمع کردیم. در شماره گذشته سما دادیم که رفقا سبنا برچوردی ملی کران به معیندینست که اگر حزب کمونیس سوری برمرحرفی بدهد حیلی بد نیست اما اگر حزب بوده همان حرفها را بی کم و کاست بکارا کند خاش ورو بریوبیت است. با اس حیات فکر کردیم اگر کارا حروسحفتیم در داخل سوری بدینوده و "پایه های اقتصاد سوسالینسی" را "مستحکم تر" کرده حما در رابطه با خارج، با ملل دیگر، ماسالی بوجود آورده است که مستحق لعن و نفرین نما رفقا است. اما بوجه دسیم که سما معیندین در رابطه با کشورهای عقب مانده: "ما سولا به سوه طلبی به عنوان یک سیم در ساسات خارجی سوری اغفا دیناریم."

وهمین معیندینست که:

"کره اسباهات و انحرافی در رابطه سوری سبنا کشورهای دیگر سوسالینست دیده مسود ولیکن ساس سوری با اس کشورها در مجموع بر اصل درسی اسوار است" (یکه از ماسبت).

و معتمد ما ندیم که پس اسکال در کجاست ، باور کنید تین همس
عزیزان را بیای بیارن آن صدها بار رهبران حزب سوده
کفهد اندوسمانی جهت آید آید نام مندهند ، دفاعه سمدار
بوجه مناسبات با برارو منافع اقتصادی سو روی در را خطا
کشورهای سوسالست " و از جمله برادران ارومای سومی که
مکوسند :

" بکر برار است که منافع اقتصادی در همکاری بیای اتحاد
سین کشورهای سوسالستی با دیده گرفته سود؟ "
نقطه میواند موجه حرسدی " حزب کمونیست سو روی " سود و کربه
حقیقیت کشورهای ارومای سومی را اینکه سماحای ایرناسو
بالیم برولسوی ، مدافع منافع ملی ، و آیم نه منافع ملی
کوزر خودمان و با کشورهای کوچک ارومای سومی بلکه منافع ملی
سو روی بدها اند میدان حسود نیستند ، بکار دیگر هم گفته ایم .
ملی کرائی نداسد ، ولی بیدر آران ملی کرائی برای دیگران
است . برفرداری از منافع ملی سو روی سیر .

تلاش میکنیم بنظر رفقای " راه کارگر " در سو روی هم
" بنور بیای که برای اس کوزر در مسروس سوسالسم یعنی
کننده هسند " صحیح بوده و " مسائل مربوطه با حاکمان
سوسالسم " درسی طرح و اجرا شده ، هم بر جورد سو روی سوسا

همچنان خود را در اجزای سوسالست دیکر اب اس کوزرها
شان مندهند " : بی ۱۴۱

و معیار دیگر معلوم میبود که سوسالست دیکر را بیای و نه اجیراب
کمونیست کشورهای سرمایه داری مرویل معروف آورو سوسالسم
درون حسین انقلابی برولیا را هسند ، مدر مسلم ایست که
در بنظر " راه کارگر " سو روی ، برادران " سوسالست "
ارومای سومی ، اجراب " کمونیست " کشورهای سرمایه داری مرویل
همه بیره میبودن و اس بیها حزب بوده میوانست که علی الظاهر
ایورتونیست ناتی میماند ، هواداران حزب بوده جز ار است
محرربا سید که با رجرا ؟

و بالاخره حوائدهای که بکار آران همس مقاله خطاب شد
" ما تونیسیای عربی " سیده بود که :

" با سنی دنیا " استدلالهای خود را [در مورد سو روی]
بربان اقتصاد و سرمایه مناسبات طبقاتی و مناسبات بولت
شان کنید ، بی آنکه در اس شان حرار مناسبات بولیدار حیر
دیگری کمک نکنند " (ص ۶۲) و بی کتاب را ندانان میروا سید
محرر میبود که حذر نویسندگان راه کارگر با بدخواهانه را دست
کم گرفته با سید که حال کنند بوجه خواهد آید حذر که دنیا
خود کرده اند دیگران سبب مندهند و حذر را بر حیا و ر سید .

بنظر رفقای " راه کارگر " در سو روی هم " تئوریهائی که برای این کشور در مسروس سوسالسم
تعیین کننده هسند " و مسائل مربوطه با ساختمان سوسالسم " بدرستی طرح و اجرا
شده ، ... و " توسعه طلبی بعنوان یک سیستم در سیاست خارجی " آن وجود نداشته ، ...
و هم بالاخره " پایه های اقتصادی سوسالیستی " از زمان خروش فیه بعد " مستحکمتر "
شده است .

رتنا ۹۰ عنقه در برهان حلف و سدا استدلال و سدا استدلال سگاه
کرده اند ، احکامی از جورا سدا داده اند که معلوم نیست
کجا آمده است رحمت یک صفحه بررسی و تحقیق را خود داده اند ،
اصما در ا مطلبنا سوسیده و کنا رکذا سها اند ، و آنکا دبا سها مبی
اصفادای خطاب ب دیگران میگوید " با سنی دنیا است
لائهای خود را بران اصفادی بیان کنید ، بی آنکه در
اس شان جراز مناسبات بولیدار حیر دیگری کمک نکنند " !!
آمو رده است سها ص و کم حانطکی رفقا !

این بیانات ار کجاست

همکامکه کسانی خود را خار هدهند که رحمت " منحصبات "
رورا اعتقاد داب خود را صریحا عنوان کنید ، در هر نظر ، و در همان هر
نظر ، نه سانش مناسبت و چاره ای هم نیست .
رتنا سروسی لبوسا ثوجی هسند ولی این اعتقاد را حاضر
نیستید بکجا و بوضوح شان کنید ، در ابتدا خار هدهند اس مطلب
را منسدل کنیم .

لبوسا ثوجی ار لحاظ نحوه تکامل اقتصاد سرومیسی
اسالین بود ، بخا دا و و با توشه دون که می بوده ای خاص خود را
دانت مخربه بی او و طرفداران سید ، انقلاب مرهکی که طی آن
ما توشه دون میکوسیدنا سو رو کراسی حزب مقابله کنیدا لاخره
در مقابل و انقیاب سخت رمیسی با مقابله با و رو بیه گسب
انجامدوس آران ار همکاران لبوسا ثوجی یک تک اعا د هجیب
سدو بالاخره یک ساتونیک سو رسی معروف و سار مانده سو

کشورهای حیا بوم ایرناسو سوسالستی و انقلابی بوده و توسعه
طلبی بعنوان یک سیستم در مناسبات خارجی آن وجود داشت ، و هم
مناسبات و مناسبات سو روی با سایر کشورهای برادر " سوسالست "
در مجموع بر ازل درسی استوار بوده ، و هم بالاخره " با سده
های اقتصادی سوسالیستی " ار بران خروش فیه بعد " مستحکمتر "
شده است ، در اینصورت نه ما خرده نکیریدا کر میگویم که هدهند
با سراهای سدا در مورد " رو بریوسیم " و " رو بریوسیم حرو سقی "
برفایک بیارن است ، یک سعار است میدان اعتقاد داب سها ،
سها سها بطور که دیگر کرد م اسحاله رو بریوسیمی در سو روی
را اولاعترا بل احصا بندان سها و میمرا آران ، آسرا
حیردی هم نمیدانند ، بجهت بود که حزب بوده سس آران که
اسها سها و ما و دیگرانی را در رده " برجه های بوک " گذاشت
با عجله اسناد خود را در مورد ما س گرفت ، این امر برای ما
رفقا با سدهندار دهنده ناسد ،

ما در اس بقدار سساری اسها ب و انحرافات زمینه ساز
برای سراهای رفقا میگردیم ، اس زمینه ساز بیها صورت حملات
براکنده ای در سرا سرو سها شان وجود دارد و جواننده ما آگاه
وی بوجه را بی آنکه خود را اندوسوی بنا ج اربس معنی سده ای
میراند ، اس حمله است اخفای بی نظیر :

" اس گروه های احما عی [کار میدان و کارگران منحصبات]
با آگاه ۱ سو رسی می بودند که بعداداران در عالست
کشورهای سرمایه داری مرویل بیدار سدو با کتون نر

گنبد

تروور سفید رژیم بنی صدر

سیران محضوری

خوادسی که در ماه گذشته در گنبد ایقان اسناد وسی امدهای آن، ار چند بنثر دارای اهمیت است.

حک گنبد اولین سپاهم نیروهای دولتی به یکی از جنبشهای نخبه‌سبم ایران بعد از بندرت رسیدن آتای بی- صدر بود. ار همین رو نحوه برخورد او به این مسئله میباید اولین آرمانس برای مهران اعتماد ایقان به جلوگیری از تکرار شدن "روز" در حاکمیت است.

در جنبه‌های گذشته عدس تفرار رهبران ساد سوراهاای خلق ترکم-سین بدست انفراد اساسی بنظر، و حیسانسه به نعل رسیده و احضاد آنها در بردیکی جدید رسیده است. این نحوه میباید به بد بخار از مبین سالی، در بار بار - حج ایران سالیتهای طولانی داشته و در این مورد بیخ وجه حاکمیت جدید، سو آوری نگردد است. اما تا این وجود برخورد به این مسئله وانسای همه خایسه آری- تا وجود داده‌های آتای بی- صدر در مورد حفظ قانون و باز هم عدم تکرار شدن "روز" باید مورد توجه قرار گیرد.

برخورد سازمان حرکتیهای نداسی خلق به حکم اخیر گنبد و ارزیابی این سازمان از جنبه ترووران، نشان گنبد اسناد جدیدی از حاسباها و می جدید این سازمان است که بخوبی به- برای ساجس سیاستهای آینده آن میباید ستار سعی گنبد میباید.

در مورد اول، اکنون بعد از گذشته نزدیکه ۲۰ روز از این واقعه وبعد از اغلامه های عد و نفعی ساه ساد- را نگنبد، ساد ساداران برگیر، ازین و سایر مراجع رسمی دولتی، روسی شده - که حکم امروزان، همس نهادها، دراز ساط و هماهنگی با یکدیگر و بر اساس برانندای از سینی دولتی سیده بوده اند. ساه ساداران گنبد عامل اجرای این جنبات، ساه ساداران

مرکز، طرح ریز آن و سایر مراجع رسمی سوخته تکر آن بوده اند. آتای بی صدر که در اسناد سعی کرد تا حمله سه میاخمس بدنا هزار روز ۱۹ بنس در گنبد خود را بی اطلاع از حادسه و مخالفت آن بیان دهد، بعد از چند روز، با دفاع بی سانه از ساه ساداران، و نائسد روانه آنها از حکومتی آغاز حسیک آتای بی-رزی در دست همه کسان-ی که به وی امید سده بودند ریخت و برای آلعین بیان داد که اگر چه سعی دارد در نا هر سب سطر بی خود گردید، و خود را ما و را - همه مراکز قدرت و تصمیم گیری بیان دهد، در حاشی که بی عمل بیان می آید، بنس وانعی خود را در سرگو- ت نیروهای انقلابی و بی-خواه سالی- می- دهد و با سربسب مرکزی کدایان طالبه آن بنسند (روز) فقط برای همسانسه جواب است. چند روز بعد، در حمله به محامدین خلق در نام سپهر آسان بار دیگر، مسیر را برای جوانان روضدی عدم تکرار شدن "روز" مناسب می ناید اما این بار بیر عامدا" از نفعیت غاطس این ناحیه که به نام معرفت-سی سده اند خودداری می کند.

اما این هیور تمام ماخرا نیست. چند روز بعد از بدادسن احضاد چهار س از رهبران ساد سوراهاای خلق، برکمن و اعتراضات عدیدی که به این حیانت سوه "آرنا مپری" میبود، غاطس به دست و تا می آید تا سوعی این منظره را لوگنبد، بتعمیر را نگنبدن گروهی خلق الساعه و موهوم بنس نام " دانشیان برکمن - نیروسی مسلحان" سادارند. اما ساه کوچولوهای تازه بدوران رسیده آنجان همانند و کجسی از خود بیان مدهند که حرکت سگاه کدراسی به زور سادها سادارند، موجه ما هسند وانعی غاطس آن میبود. این سانس کونتی ها آنتدر تکرار میبود تا بالاخر: دادسان انقلاب مازیدران حابه

ای حر مداخله در ماخرا سعی نسد. در زور ساه های عصر زوریکسسه ۱۲ استند ماه ۱۳۵۸ اظهارات وی به حاد مبرسد. او در مورد " نعل مرموز ۲۳ سن در حاد گنبد" میگوید:

" من سراز در کسریهای گنبد به زور در آنجا و روساها بد تحقیق سرداخم و مدارک بدست آمده را در احضار اسنادار و ساه ساداران کداردم. در مورد این تحقیقات و سیر کارهاای که در زمان انامب آتای خلجالی در این منطقه صورت گرفته گزارس دارم که فعلا" بیر به احترام قدرت مرکزی حسیری بمبکتوم ۵۵۵۵۵ ولی اگر حفاسن و وانعت گنبد میبود من بیر حسب وظیفه سعی خواهم کت.

۵۵۵۵۵ بنس و به حد سدا بد و علامت بیان میداد که برخوردی از سید به بالا است و حال سب اعدام دارد. من گزارس مربوط به تحقیق در باره این سب و ساد حد سب به رسن حمپور و دادس کل انقلاب داده شده ..."

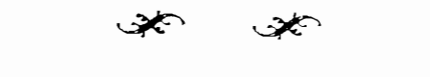
و آتای بی صدر هم اعتراض می کند: " من اگر تایی بودم برای انظور احضار (چهار سب) نقاضای اعدام می کردم." (با میداد ۱۴ اسند ماه) گذشته از اینکه معمولاً دادسان است که نقاضای اعدام می کند، و بد خاصین سرح اما آتای بی صدر بیبر حال حکم را اجرا سده میبسد و از این نظر ساد- بی سدارد. اما ساید دید که حراهم آقا بی صدر و هم سایر مقامات ارتوسب- حیوتی این امر نظره میبسد؛ اجرا، چون در مورد انسانی وانعات، بی خود و هممالکی هاسان بیان گنبد میبسد و ازین هیور به مسلح آتای عد در سدی بنس... هیور ایسان تا بد سیمان رنای را از میدان بدر گنبد و صداسیم که یکی از حربه های موبس ارتجاع برای

وکیل «مبارز»، پانامائی وارد تهران شد

اطلاعات ۴ اسفند میسوسد:
 جوان مائرتو وانکر وکیل ایرا
 "تکی از فصاحت برجسته یاناما
 ست"، "خند سال رئیس دیوان
 عالی کشور یاناما بود"، "بک
 سال مسئولیت وزارت دادگستری"
 و "تکسال سر نخست وزیر
 یاناما را عهده دار بود"...
 برسدی است که فطزراده حکومت
 سواسه حسن وکیل "مبارز" پیدا
 کند که در اثر "مارراتش" حسی
 سواسه سخت وزیر دولت دست باند
 یاناما که سالهاست از امریکار
 امریکار است، سود. زبان لال، نکند
 "شطان برک" او را بوضه کرده
 است، بالاخره دوسان فطزراده در
 حسن رورهائی بدرش میجوید. البته

انسان فرموده اند "اورا از زالیها نسل
 میناسم و از دوستان بر دیک مین
 است" ساند فطزراده در کابینه ی
 دولت یاناما هم بوده، کسی حسه
 میداند. بهر حال سبخت نیست که
 آقا بمحض ورود به تهران مبقرمانند:
 "در رابطه با محکومیت ساه که
 احتمالا مرک خواهد بود این
 امر بر خلاف قانون یاناما و
 همجنس قانون امریکا است
 دولتیهای ایران و یاناما
 می ناند در انمورد که ساه
 بهجوجه اعدام خواهد شد
 نتوانن کنند."
 (بامداد ۵ اسفند - تاکسد از
 ماست)
 حالت اینحاست که فطزراده در انتظار
 مکیود:

"محازاتیهای بدر از اعدام هم
 مسود در مورد ساه سابق
 اعمال کرد."
 (لومین های فالتر انکسیدهان از
 شوغ آقای ۵/۳ % را مجسم کند) بعضی
 اینکه ایسان قبلا باین نوافقی
 با وکیل یانامائی، این دوست
 صمیمی آقای فطزراده رسده اند که
 اعدام ساه ضروری نیست چرا که کوبا
 محاربات های بدر از اعدام هم وجود
 دارد !!؟



تصحیح

در سرمنا لهرها شی ما رده ۲۲ مورچه ۳۰
 بهمن ماه ۱۳۵۸ حملدای منسی ترامکان
 اسحاب رئیس جمهور ارمان و اسسکان
 ررم آمد، برواصح است منظور ما از
 "واسسکان ررم" محاهد مسعود رجوی می-
 ناند. مورد مسعود رجوی فاسومسوی
 خود را داد است و ما حداکانه بآن برداحسه
 بودم ه

برسی نهادهای بعد از بیروزی مقام
 هستند با فشارهای شدیدی روسو کشته
 رژیم، بعد از حنک بفر اطلاعات ارضی
 افتاد و قصد دارد زمینهای متودالها
 را که از یکسال پیش توسط دهقانان
 تصرف شده اند، به دهقانان "واگذار"
 کرده و با تبلیغات و هاهو این
 اعدام خود را بکام واقعا "انقلابی
 وانمود کند! ولی واضحست که مقصود
 اصلی از این کار از هم باییدن سوا-
 هائی است که دهقانان از طریق آنها
 مسرکا امروز میهارا اداره میگردند،
 چون زمینها را که بهر حال دهقانان
 محادره و متعلق بخود نموده بودند.

بهر رو حنک کنید و حیایات
 مرتجعین، با وجود همه غم واندهوی
 که از شهادت بهترین فرزندان خلق در
 هر انشائی بر می انگیزد، سبار
 آموخته بود. آقای بی صدر مخالف
 "زور" اولین آزمایش خود را سداد.
 اکنون بعهده تمام نیروهای انقلابی
 است که بدون توهم وخیال سبردازی،
 واضعیت نفس رژیم حاکم را دریابند و
 مبارزه علیه آرا کنند بر و کبار...
 نر به پیش برسند.

بی اسر کردن دمس "رور" است. "رور"
 در کره برین چهره و وحسانه برین
 سوه. "رور" نه سگ آریا میرو
 مردوراس، سپرانی و ناسی.
 اما از بی صدر کاندیدای فداست
 اسلام در انتخابات ریاست جمهوری پس
 از اس انتظار میروود. او محوراست
 حسی کند و میکند، رسالین در اسسه
 اما وای از آن زمانی که یکی از
 سارمانهای برک جت، با سبتهای
 ار ریده و آکنده از رادیکالیسم انقلابی
 با احتجاجاتی بی سرونه به نظهر
 دسنان قسم جو رده خود سابر نیروهای
 انقلابی میسبید و محبت و لطف را آرا
 طلب میکند. وای از آن روزی که
 حسی کلوله برسی سواد و امعیات بلح
 را برای آبان قابل لمس و درک کند.
 اعلامه ها و مواضع سارمسان
 حرکتیهای فدائی حلی در مورد حسواد.
 کند بر آکنده از سانس و بوحیه
 است. فداسان بجای آنکه از فرصت
 ماست سود برده و با تمام نیرو سه
 انشای همه حاسه ررم بی صدر ببرد-
 آرند. و بان دهد که اس مکلایه با
 آن معین هیچ فرو ماهوی بدارند، در
 اسدا اعلام میکند که ساسداران
 در ۲۴ ساعت اول شروع درگیری، در حنک
 دحالت بداسه و این ارتش و "طرفدار
 سرعیداری" بوده اند که درگیری را
 نه خلق برکم تحمل کرده اند! ولی
 بعد، اقرار کردند که ساسداران هم
 در حنک برک داسه اند. اما در بیان
 همس مطلب روس آنقدر اما و اگر کار
 بردند و نه حسحوی حناجیهای "مرفی"
 و "ارحاعی" در درون ساه ساسدار
 برداحسد که در آخر اصل نصه لوب
 ندو بالاخره معلوم شد که نه نظهر
 فداانان ساه ساسداران عامل کسار
 در کسد بوده اسنا ندو آنا در نظهر
 رنفا، ررم بی صدر ررم برور سفید
 میناسد و یاند؟
 از آنجا که ما در شماره های بعد
 به مواضع الفاطمی فداانان خلق مفعلا
 اشاره خواهیم کرد، در اینجا پیش از
 این به نظرات آبان میبرداریم.
 سداراس حنک در منطقه ی ترکمن
 محرا جو حقان تبدی حاکم شده است.
 سواهای دهانای این منطقه که از اندلی

بحران انرژی

آیا چنین بحرانی وجود دارد؟

کاهش استخراج نفت ایران و اردن، قیمت نفت در سطح جهانی، سستی، تجدیدالکلیات، بحرانهای مختلف امپریالیستی بصورت جسم مجتمع نظامی، سیاسی و اقتصادی، بحران انرژی، از مسائلی است که باید مورد توجه جدی قرار گیرد و در تحلیل از سیاست جناحهای امپریالیستی در فعال انقلاب سیاسی ایران موثرتر است. ما در گذشته به بحث خارج جناح غیر نظامی آمریکا در این مورد اشاره کرده ایم و در مقاله حاضر بدلائل اقتصادی بهره برداری جناح نفتی از کاهش معادل استخراج نفت و افزایش معادل قیمت نفت اشاره نمیکند.

فرانز برنهای



حد سالی است که رورامهتکاران، سیاستمداران، اقتصاددانان و رسانه های گروهی عربی از بحران انرژی سخن گفته و حین وانمود می کنند که گویا جهان و خصوصاً جهان عرب بطور وحشیانه با کمبود مواد انرژی زا مواجه بوده و اکنون دولت مردان تفکر چاره ای واضعی نیافتاده اند. سیستم اقتصادی جهان سرمایه داری با تهدام کننده خواهد شد. در این ارتباط است که عده های از سیاستمداران و اقتصاددانان غرب داروی این درد را ساعت و مساعره با اوراق و اوراق اسرری میدانند (مانند کاربر) عده ای راه حل را در کشف و توسعه راههای جدید تولید انرژی می دانند و عده ای هم اسغال نظامی جاههای نفت خاورمیانه و مداخلات برای نامی انرژی لازم کشورهای عربی را تجویز می نمایند. بهر حال در حد سال اخیر صفحات رورامهتکاران و مجلات عربی و رورالیتهای محلی و رساندهای گروهی در غرب بیاس موضوع اختصاص یافته اند. سناریس، سنار واقع گرایی و مرنوط خواهد بود که واقعی و با محاری و مصنوعی بودن این مسئله روس شود و دانسته شود که آیا واقعاً بحران جهان بر وجود چنین بحرانی صدق میکند و یا اینکه این بحرانی است موضوعی و ناحیه و برداشتی انحصاراً امپریالیستی نفتی که به منظور حداکثر نمودن سود خود ایجاد کرده اند.

بدون یک رصنه جینی اولیه و بدون اراده ای یک تحلیل سیاسی - اقتصادی، از اوضاع جهان در یکی دو دهه ای اخیر این سوال را نمیتوان پاسخ داد.

مفولدی بحران انرژی را می توان جستجو کرد و اندولوگهای امپریالیستی مطرح کردند که چند سالی از آغاز یک بحران سبب عمیق در جهان امپریالیسم شدند. در فاصله ای بین پایان جنگ جهانی دوم تا سده ای دوم دهه ای ۱۹۶۰ امپریالیسم آمریکا که رهبری بلاسارخ جهان امپریالیسم را ناره بدست آورده بود دوران سکوفاتی خود را میکردارابد. اروپای عربی و زاس نتر کسهدر اسریر نامه مارسال وههم حسن در اسر سرمایه گذار بههای کمپانیهای جدید ملیتی آمریکایی در حال سهودی بودند همان وضع را داشتند. جنگ ویتنام که سالانه در حدود ۳۰ میلیارد دلار برای آمریکا هزینه نظامی داشت در ابتدا به رسد اقتصادی آمریکا و زاسن و اروپای عربی افزود ولی تعلل تضادهای درونی جامعه امپریالیستی آمریکا این عامل سکوفاتی اقتصادی به صد خود تبدیل کردیده آغازگر بحران فعلی جهان امپریالیسم شدند. دولت امپریالیستی آمریکا به سبب خصوصی بودن تولید و توزیع آن کشور محور است هزینه های خود را از طریق مالیاتها نامی نماید. لیکن جانسن

نماندیک سیاستمدار کهنه کار خوبی میدانست که به سبب مخالفت مردم آمریکا با جنگ ویتنام ساورها و نامندکان کسهدر آمریکا از حساب دست دادن معاشی انسانی خود به صوبت لایحه نامی هزینه های سرمایه آور حکم از طریق مالیاتها (سیاست مالی) سبب خواهد داد. او میدانست که حتی اگر آنها هم حاضر به صوبت لایحه فوق باشند انجات مجدد خود در سال ۱۹۶۸ کار ساده ای نمیتواند باشد (و میدانم که او از حساب شکست معصوم، اسراجام خود کنار رفت).

لدا او نحای نامن هزینه های جنگ از طریق اردبامالیاتها از "داسر" بولی یعنی از طریق اسنار و فروش اوراق قرضه دولتی که سنار تورم را اساسفاده نمود. از اسرو حاصغ آمریکا، و همچنین بعلت جهانی بودن سرمایه های امپریالیستی و بههم پیوستگیهای اقتصادی، اروپای عربی و زابن وهمجس کشورهای وابسته به امپریالیسم در ان سوم دجار تورم سنا سندی شدند. در سال ۱۹۶۸ دوره ای ریاست جمهوری لیکن جانسن سیری و ریچارد نیکسون از آغاز سال ۶۹ ریاست جمهوری ایالات متحده را در دست گرفت و از اسرو جنگ ویتنام و تورم فوق را از جانسن بارت برد. نیکسون که سابقاً میتوانست با کاهش هزینه های نظامی تا اندازه ای از حد تورم فوق بکاهد

تعلیق و استعجاب مندی به حجاج صنعتی نظامی
 حجاج استناد از سیاست اقتصادی نو
 از حجم سول گاست و طرح بهره‌ر را
 ایران داد. تصمیمی این سیاست
 سونی حیرت نگر که سرمایه‌گذارها و
 سایر اس آمار یک رکورد همراه سنا
 بیکاری نبود. البته در حالیکه طرح
 فورم سری برولوسرطلی بکرد. سایر
 اس، سایرهای اقتصادی تکمون بدون
 حل مسئله تصمیمی را رکودی را
 باعث کردند. اس نوع خاص بحران
 در تاریخ جهان امیرالیم بی سانه
 بوده است. حد معمول در حوامس
 سرمایه‌داری سرفه دوران سکوفانی
 و رد اقتصادی همزمان با اردناد
 تصمیمی است و بعکس در دوران رکود
 و بیکاری زیاد تصمیمها رد حدانی
 نخواهد داشت. اس بحران حدسد
 سر - که در محافل اقتصادی سه
Stagflation معبروب
 کند این - بیان کشورهای امیرا -

ارسیاط داده می‌ند. حد سالها ،
 غیرعم وجود سازمان اوک ، و غیرعم
 بالا رسی سمکالاهای فروخته شده
 به کشورهای عضو اوک ، تصمیم
 بافت مانده و با حتی گاهی بافند و
 کشورهای امیرالیمی اسری کانی
 و ایران را در احسار دانسد. در
 آلمان، برای اندنولوکهای امیرا -
 لیسها محفی نگاهداسن این وانعت
 ها که اولاً سسسم سرمایه‌داری ماهیا
 بحران انکسر است و بروسد بار بولسد
 ان به بطور خود کار بلکه با مشکلات
 فراوانی بانجام برسد و با سسنا
 انکده تئوریهای اقتصادی بورژواشی
 غیرعم فرمولهای عریض و طولیس نادر
 بحل اساسی معطلات خامه‌داری
 و ریشه کن نمودن بحرانهای آن می -
 نسد، کار آسانی نبود. باسن سب ،
 فرسنگر ارضت با عدم صحت مفولدهای
 نام بحران اسری، کوسن بعضی از
 کورهای عضو اوک برای بحرم بق

سررسد. اندنولوکهای امیرالیم
 اوک را سمانه‌ی تک کاریل مسحوم
 و متحد که تعد اهدام نظام اقتصادی
 غرب را دارد تصور نمودند و حتی
 رحمتان یوصح را خود ندانند کند
 ایران در زمان ساه ، غریسان سعودی ،
 اندویری، کوب و امارات حلبج فارس
 که رهبران آنها همگی از سر بردگان
 مالک امیرالیمی بوده در عسداد
 اغشاء اوک و حتی از میمبرس آنها
 شمار مرفسد. البته واضح است
 که اگر ریح یوصح را بر خود هموار
 مساحسد دیگر نمیتوانسد بغاص
 سسسم سرمایه‌داری خود را محفی
 نگاهداسد و بیکاری، عدم رسد کافی
 اقتصادی، فورم، عدم تعادل در موارک
 برداشتها ، بحران باکی، بحران دلار و
 لیره‌ی انگلیسی... در سسسم خپانی
 امیرالیم را بوجه سمانسد. برای
 انکار آنها سسه برادیر سانه سرت
 سلطعات رده و بکتر بورژواشی

برای اندنولوکهای امیرالیمی محفی نگاهداشتن این واقعیتها که اولاً سسسم سرمایه‌داری ماهیتا
 بحران انگیز است و بروسه باز تولید آن نه بطور خودکار بلکه با مشکلات فراوانی بانجام میرسد
 و ثانیاً اینکه تئوریهای اقتصادی بورژواشی غیرعم فرمولهای عریض و طولیس قادر به حل اساسی
 معطلات جامعه سرمایه داری و ریشه کن نمودن بحرانهای آن نمیباشد، کار آسانی نبود

لیمی و همچنین کشورهای خپان
 سوم وانسد آنها سران نمود. بد
 غارت دیگر از سالهای آخر دهه‌ی
 ۱۹۶۰ تا کون خامه‌ی امیرالیمی
 امریکا و سایر حوام امیرالیمی
 اروپائی و راس در کبر سدیدترین
 بحران خود سراز بحران سبار سسد
 و بی ساندی سالهای ۳۳-۱۹۳۹ بوده
 است.
 در ناطله‌ی سن سالهای آخر دهه‌ی
 ۱۹۶۰ یعنی آغاز بحران فوق الذکر
 با بحرم سنی بقار جانب بعضی
 از کشورهای عربی برای حامیان
 دولت صهیونیسی اسرائیل در حبک
 میان اعراب و اسرائیل انکسر ۱۹۷۳،
 و کمی سراز آن بالا سدن بی ساندی
 تصمیمت که توسط کورهای صادر
 کسده‌ی بق عضو اوک انجام سدرت
 بحران فوق الذکر که اسناد سسدی
 داشت بحران دلار، بحران بیکاری،
 بحران باکی، عدم رسد کافی، فورم،
 به کمبود مواد اسری را بخصوص بق

و همچنین اردناد تصمیمها بیانگی
 حوی بود برای بوجه و محفی نگاهد -
 اسن معطلات سسسم جهانی امیرالیم
 و عدم توانایی تئوریهای اقتصاد
 بورژواشی در حل رسته‌های بحرانهای
 سسسم امیرالیم. از آن سن باکنی
 اندنولوکها و بوسنگدان و کوسنگدان
 محلفار اس سانه حداکبر اسفاده
 رانموده‌اند. بخصوص در امریکا
 که اندنولوکهای صهیونسالیها
 سلطعات مد عربی کرده سوسده رسدی
 اسفاده از سمانه‌ی فوق و آغاز تک
 کار رار سلطعاتی وسیع بر علیه
 اوک و بخصوص کشورهای عربی واسسه
 بآن نحوی آماده بود. از آن سن
 بود که مطبوعات و رساندهای کروهی
 امیرالیمی بخصوص در امریکا اردباد
 تصمیمت ار خانب اعصاب اوک را عامل
 اصلی بحران امیرالیم در عرب سسه
 حساب آورده و حوادث سالهای دوران
 جاسون و سالهای اول ریاس جمهوری
 بیکون را آگاهانه بیونه‌ی فرا مونی

خود را عیان سمانسد. در سلطعات
 خود علیه اوک و کشورهای عربی
 بولسد کسده‌ی بق جان لحفی را
 اسخاب می سمانسد که کوئی سابع
 بقی این کورها معلق با آنها و
 مردم مطابق بق حصر برای خدمتگزاری
 به حوام امیرالیمی بوجه آمده -
 اند. از اسرو است که اندنولوکهای
 بسیاری حتی از اسغال نظامی حاههای
 بق بوضوح سخن سکنسد. آنها س
 بالحنی سکرانه و بوهی آمیر .
 با بوجه به مقدمه‌ی بالا- البته
 سرتظر از سلطعات فوق الذکر -
 آیا میتوان باین سبجه رسد که
 مفولدهای نام بحران اسری وجود
 دارد؟
 بدون تک بق از حانی سرتن
 سابع در جهان سمار رفته و در شرایط
 اقتصادی - تکنولوژیکی حاضر ادامه‌ی
 حیات سسسم امیرالیم بدون وجود
 بق و مشقات آن امکان سدرست .
 این ماده‌ی حیانی که بدون اغراق

میوان از آن نمایی ساهرک حساسی جهان امبرالسم سخن گفت ، علاوه بر اهمیت آن نمایی مادهای انرژی را از نظر ارزش و حجم نیز بزرگترین قلم در تجارت خارجی مالک محسوب جهان شمار میروند . کشورهایی امبرالسمی هم بدلیل صنعتی بودن ، هم بدلیل اینکه حوامع مصرفی بوده و از طریق مصرف زیاد و تبلیغ زیاد آن باریولندسیسم با آن ممکن میگردد ، و هم بدلیل خودکرائی زیاد و عدم وجود (و یا استفاده از) وسائل عمومی در حد ممکن (بخصوص آمریکا) سازماندهی مصرف بخش عظیمی از مواد انرژی را می جهان میسازد . میوان مثال ، آمریکا با جمعیتی برابر با روسیه و نسبت میلیون نفر ، در حدود سیمی از کل مواد انرژی را می دنیا را به مصرف میسازد . سازمانی کی نیست که کمبود و یا فقدان نفت میباید بر حساب اقتصادی و سودی ردکی سیستم امبرالسم با آن برای دسترسی باشد . این سایر بخصوص در مورد راس صادی است . چه زان پس از هر کشور امبرالسمی دیگری برای انرژی به واردات وابسته است . مثلا ، این کشور ۹۹/۹٪ از مواد نفتی خود را از خارج (و اکثرا از خاور میانه) تامین می نماید . بی سبب نیست که خاورمیانه که ۲/۳ مواد ساخته شده نفتی جهان را در خود دخیره دارد تا این حد برای امبرالیستها اهمیت دارد . و قدرت بی اندازه کمپانیهای غول پیکر نفتی آمریکا و بخصوص نقش سیاسی آنها اهمیت نفت برای امبرالیستها را به ثبوت میرساند . لیکن به صرف اهمیت نفت برای جهان امبرالسم نمیتوان این نسخه رسید که "بحران انرژی" بحرانی واقعی است . چه قبل از ۱۹۷۳ نیز نفت مادهای حساسی بود اما در آنزمان از بحران انرژی سخن نبود . برای اثبات اینکه بحران انرژی واقعیت دارد باید نشان داد که کمبودی واقعی حساب اقتصادی سیستم امبرالسم را مخاطره انداخته است .

علیرغم سار رور امروز جهان

به فراوردههای نفتی و علیرغم محدود بودن منابع نفتی زمین - بخصوص با توجه اینکه منابع نفتی حاصلخیز سیحدهی تعمیر و تحولات مملوینها سال در گرهی زمین است و اینکه سبب بازاریابی با فن بیست و یکم سر - احاطه منابع نفتی با تمام حواهد رسید - دلیلی طبیعی برای جهان و بخصوص برای آمریکا که بزرگترین تولید کننده نفت است وجود ندارد که در حال حاضر با کمبود نفتی مواجه شود . بخصوص با توجه اینکه آمریکا - علیرغم کشف منابع جدیدی در ایالت خود آلاسکا - در سال ۱۹۷۲ تنها در صد کوچکی از نفت خود را از خارج وارد میگرد ، در حالیکه در حال حاضر مقدار معیاسی از بیابانهای خود را از خارج وارد میکند . با توجه اینکه اکثر کمپانیهای غول پیکر نفت جهان آمریکائی بوده و این کمپانیها که تولید اکثریت کشورهای اوپک را در دست دارند نفت زاپس و اکثر کشورهای اروپائی را تامین میسازند ، مصنوعی بودن بحران فوق بشوب میرسد . بخصوص که زمانی آمریکا و سایر کشورهای امبرالسمی با کمبود مواد نفتی مواجه شدند که عربستان سعودی و ایران رور بروز بر تولید نفت حاکم خود می افزودند . تجارت دیکر ، کمبودی که چند سال پس بوجود آمد به سیحدهی کمبود عرضه نفت حاکم بلکه باعث کمبود ظرفیت بالاینکاها بود . بدین معنی که کمپانیهای امبرالسمی نفتی خود بعمد میخواهند با ثابت نگاه داشتن ظرفیت تصفیهای بالاینکاها کمبودی در عرضه مواد نفتی را باعث شوند . از ابرو به تنها کمپانیهای نفتی را نباید عامل باشتن آوردن حجم تولید حساب آورد ، همچنین باید آنها را عامل سهمی در بالا بردن قیمت نفت در چند سال پس دانست .

صل از اینکه بدلیل بالا بردن قیمتها و ایجاد کمبود مصنوعی از جانب کمپانیهای بزرگ نفتی در جهان بپردازیم ، لازم است کمی به نقش کشورهای عضو سازمان اوپک در ازدیاد

قیمتها در سال ۱۹۷۳ بپردازیم . اکثر سحاطر دانسه باسبم ، اوپک با سازمان کشورهای نادر کنندهی نفت در حدود سیسال پس و بنا به سببهاد عبدالکریم ناسم اولس رئیس حمپور عراق بوجود آمد . با سالیهای آخر دههی ۱۹۶۰ سازمان اوپک موفق شد چندی کسب کرد ربرا که با مخالف سببند کمپانیهای غول پیکر نفتی امبرالسمی که تولید و حمل و نقل و تصفیه و توزیع مواد نفتی را در دست داشتند ، روبرو شد . بخصوص که اکثر کشورهای عضو به کشورهای امبرالسمی وابستگی شدید داشتند . در آن سالها قیمت نفت تقریبا ثابت مانده در حالیکه قیمت کالاهای کد در آن بولیهای نفت دریافت میکردند رور بزور افزایش می یافت . تعمیر دولت در وروئلا و کودنای معمر قذافی در لیبی بر قدرت نیروهای سیاسی صرفی اوپک افزود و از آن پس کشورهاش چون لیبی و الجزائر و وروئلا اسکار عمل را در کنفرانسهای اوپک در دست گرفتند . اگر در کنفرانس تهران ماه نواسبیکم کشورهای اربجائی خورهی خلیج فارس جلو رسد قیمتها را با اندازهای بکشد ، موفقیت نسبی لیبی ، الجزائر و وروئلا در کنفرانس ژنوا پس ماه در کنفرانس تهران را امضا نمودند و اسکار عمل را از دست او خارج کرد .

تجارت دیکر ، رمایی کمپانیهای نفتی غول پیکر تصمیم گرفتند بحراسی مصنوعی بوجود آوردند که بخشی از اعضا اوپک با موفقیتی نسبی مواجه شده بودند . یعنی کمپانیهای فوق در مقابل عمل احاطه ندهای فرار کرهه بودند و میکوسیدند با آن عمل انجام شده حداکثر بهرهی ممکن را بپردازند . بیسبب چرا و چگونه .

اکثریت کمپانیهای غول پیکر نفتی را کمپانیهای نفتی آمریکائی تشکیل میدهند (اکزان ، موبیل ، نکرانو ، اساندارد کالبرنسا و غیره) . سبب دلیل نفع این کمپانیها بود که قیمت نفت خام افزایش بسیار زیادی داشته باشد . لذا این کمپانیها

با محدود کردن ترنسپورتاژ و هم
 حسن از طریق فشار بر کورهائی
 چون عربستان سعودی و ایران براتظ
 را برای بالا رفتن قیمتها فراهم
 نمودند. حکامندرسون روزنامه یوس
 معروبوامریکائی طی مقالهائی در
 ژانویه ۱۹۷۲ مطرح نمود که کمپانی
 آرامکو (که متعلق به کمپانیهای
 متعدد نفتی امریکائی است و تمام
 عملیات نفتی عربستان سعودی را در
 دست دارد) دولت عربستان سعودی را
 برای بالا بردن قیمتهای نفت تحت
 فشار قرار داد. و اما چرا قیمت
 کمپانیهای فوق بزرگ بود که قیمت
 نفت خام افزایش یابد؟

۱- کمپانیهای نفتی امریکائی در
 حقیقت کمپانیهای انرژی مبتنی
 و مالکیت معادن دنبال سنگ
 ایلالات غرب میانه (پسیلووانیا،
 اهاو و ایندیانا)، ایلمالاب
 حوسی (ویرجینیای غربی،

کالائی سود آور تبدیل نمودند.
 ۲- احضارات نفتی امریکائی که در
 تولید و حمل و جابهجائی نفت بدون
 رقیب بودند، در سورج مسوود
 نفتی تمام نده در داخل امریکا
 بی رقیب بودند. چه در داخل
 امریکا بزرگ و کازوئیل نده
 تنها توسط پمپبزرگیهای متعلق
 به احضارات بزرگ، بلکه توسط
 نفتسرنیهای مستقل نیز سورج
 میکردند و روز بروز تعداد این
 نفتسرنیها افزایش یافته
 میکردند. از نقطه نظر منافع
 احضارات فوق، لازم بود که
 "سورج کنندگان مستقل" را کردوغ
 رقابت خارج شوند. محدود کردن
 پالایش و بخصوص فروش کمتر و با
 قیمت گرانتر باین پمپسرنیها
 که عموماً متعلق به سرمایه داران
 کوچکی بزرگ نبودند آنها را از
 کردوغ خارج میساخت. این

سبب امریکا انجام کردید این
 ادعا را بیبوت مبرساند.
 ۴- منافع نفتی آلاسکا معلوم
 کمپانیهای نفتی امریکائی است.
 با توجه باینکه با قیمتهای
 نفت خام از سال ۱۹۷۳ امکان سود
 بردن از نفت آلاسکا (که بدون
 تولید سراسری و محارج کراف
 دیگری امکان بهره برداری از آن
 نبود) وجود نداشت، طبیعی بود
 که بالا رفتن شمار زیاد قیمت
 نفت خام تولید نفت آلاسکا را
 بزرگ سودآور مساخت. سعادت
 دیگر، یکی دیگر از دلایل عدم
 مخالفت احضارات نفتی امریکائی
 با ازدیاد قیمتهای نفت خام
 سودآور ناحی نفت آلاسکا حساب
 مسآمد.
 ۵- برخلاف خاورمیانه که نفت تقریباً
 در سطح زمین و همراه با فشار
 زیادی وجود دارد، در امریکادون

آمریکا که هم با ژاپن و اروپای غربی رقابت داشته و هم رهبری جهان امپریالیسم را بعهده دارد در عین بهم نبودگی همچنین بسادگی حاضر به از دست دادن هژمونی خویش نمیشد

کیناکی و سی) و ایلات غربی
 (ویومنتک...) را در دست
 داسه، بیاهنک سرمایه گذاری
 در انواع دیگر ارزیهها نیز
 میساخت. با دست داسه که نسا
 قبل از سال ۱۹۷۴ که قیمت نفت
 خام ناخن بود دنبال سنگ سود
 جدائی داسه و سایر این
 ایلات عمده تولید کنندهی دعا
 سک (ویرجینیای غربی و کیناکی)
 از فقیرترین ایالتهای امریکا
 شمار مبرسند. لیکن پس از
 بالا رفتن قیمت نفت خام قیمت
 دنبال سنگ که کالای جاسین نفت
 است نیز باندازهی زیادی بالا
 رفته بطوریکه ایالات فوق در چند
 سال اخیر رسد قابل ملاحظهائی
 داسهاند. سعادت دیگر،
 کمپانیهای نفتی که عمده ترس
 معدجیان امریکا نیز بحساب
 می آمدند، با ازدیاد قیمت
 نفت، دنبال سنگ را نیز به

واقعی است که در آغار باصطلاح
 بحران انرژی اکثریت سورج
 کنندگان فوق از فروش سرنس
 دست کشیدند.
 ۲- با بالا بردن قیمت نفت خام
 کشورهای وابسته به امپریالیسم
 چون ایران زمان ناه و عربستان
 سعودی از درآمد بسیار زیادی
 برخوردار میسندند. این درآمد
 زیاد میسوانست در جارحیت و
 دگرایی بکون کمک بانی به
 برنامههای امپریالیستی منطقهی
 خلیج فارس بماند. بعنوان
 مثال، بدون درآمد هنگفت نفت،
 ایران زمان ناه میسوانست نفت
 بایکاهی خود را در خلیج فارس
 انفا نماید. محارج سرمایه آور
 نظامی ناه و سرکند او در سرکوب
 انقلاب عمان و کمکهای ایران،
 عربستان سعودی، و کویب سده
 سادات که برای بیرون کشیدن
 مصر از جرکهی نفوذ شوروی به

فشار و بدون حفر جاههای بسیار
 عمیق میسوان به نفت دست یافت.
 سعادت دیگر، هزینه استخراج
 نفت در امریکا - بخصوص با توجه به
 بالا بودن دستمزدها - بسیار زیاد
 و بسیار این قبل از بالا رفتن
 قیمتهای نفت خام در چند سال
 پس، استخراج نفت در امریکا
 از سود جندائی برخوردار نبود.
 باز، بالا رفتن قیمت نفت خام،
 استخراج نفت از جاههای نفت
 امریکا را بزرگ سودآور مساخت.
 ۶- همانطوریکه میدانیم کشورهای
 امپریالیستی اغلب وجود کمپانیهای
 جند ملیتی و به سبب اینکه این
 کمپانیها در تمام آن کشورهای
 سرمایه گذاری کرده و میکنند،
 بهم میسوانند. لیکن این بهم
 بیوسکی که بطور آن در همکاری
 نهی سیاسی بین کشورهای
 امپریالیستی و جنگیدن با
 یکدیگر پس از پایان جنگ جهانی

سلمان رزجو

بحث آزاد باید گردد!!

چون می‌گویند "بحث آزاد"، بکاره تمام حلقه‌های "لروم بحث آزاد" و محکوم نمودن تمام سوره‌های حماسی می‌کنند. بی‌شکاکو بحای بی‌صدر، امام احمد محبت‌ار "بحث آزاد" آمده بود تا بحال بی‌س از صد تا ۲۰۰ و با حی سبیر گروه بحث آزاد بیرو حفظ امام شکل شده بود و همه یکصد و با بکارسم آهنگ جای سعبار معروف "... اعدام باید گردد" شعار "بحث آزاد باید گردد" را بکار می‌نمودند و همه حی حرب بودند، را وادار می‌کردند که در مراستی دموکراسی و "بحث آزاد" نظم‌رسانی نماید.

* * *

بهرحال هنوز در سده و آنطور که بدست حضاغ طرفدار "بحث آزاد" در اس مملکت رو به اردناد است و هر روز که می‌گذرد گروهی بی‌س از "مردم مسلمان" بلروم "بحث آزاد" بی می‌رند، ناور ندارند بد اعلامدی رر بوجه کنند:

ما نص محکوم کردن هر کویسه برحورد عراضولی و روضانی با احزاب ابدنولورسک - سانی، از نسل ناره کوردن اعلامه‌ها و برهم ردن مسیکنها و غیره، بیسپهاد می‌کنیم:

"مردم صادی که صرفا بحاطر ساداری از دساورده‌های حویله انقلاب اسلامی و از سم سلط و حاکمیت صد انقلاب، ساداری گروههای قوی درگیری دارند، بر روی افسای مومع فرصت طلبانگی این جریانه‌ها، از طریق بحث آزاد و کفکو بکنه کرده، در صورت نقص‌نابون از طرف اس عناصر برحورد فاطعانه با اسان را بعهده‌ی دولت و ارکانهای مسئول بکارند."

(تاکید از ماست)

سازمان محاهدین انقلاب اسلامی

۵۸/۱۲/۵

شعبه در صفحه ۱۷

سوخی سبیر سپاه دارد، اما حدی است، در رزم آنای بی‌صدر، همه بکاره معند به "بحث آزاد" می‌کردند و خواهان آن هستند که بحای منطق حماسی، منطق مکسی "عسی بحث آزاد" می‌گیری بود. بی‌صدر

مواد انرژی را و بویزه بدست که آتیم تا آن صورت بگیری اساسی بداند است. اگر مدنی محدودیتی در عرصه وجود داشته است به سبکوس عمندی کمناستهای نفسی در بالا بردن ظرفیت بالایی خود بوده است و بر حیلان تبلیغات حدی آور مطبوعات و رسانه‌های گروهی عربی بی‌بحوحه کوسنی از جانب کشورهای عضو اوک برای انهدام "مدن عرب" صورت بدهند است.

بنا بر اس اگر بحرای هستی بد بحران را در خود سبسم سرمایه‌داری یافت. حد بطلت مصرقی بودن حوامع امربالسنی و بدلیل ابراف و بی - سرمایه بودن اقتصادان، آن حوامع همیشه دچار سردر کمی و بحران خواهند بود. واقعیتی است که کشورهای امربالسنی حد سال است که از رکود نسبا عمقی رنج برده‌اند. کمبود مواد انرژی را باید از اس بحران جدا دانست. حد اگر بحاطر لحام کسحتکی سبسم سرمایه‌داری بود سادگی ممکن نبود از بکنولوری برای تامین راههای حدی انرژی استفاده نمود. بصاد درصانع حناجهای محفلت امربالسنی و ماهت بود حوئی امربالسنی است که به حسی جهتی منتهی نمی‌گردد. بحارب دیکر بانوانی کوره‌های امربالسنی در استفاده از بکنولوزی پسرندی خویش بمطور استفاده از انواع مختلف انرژی را باید در ماهت سبسم سرمایه‌داری و تصاده‌های درونی آن دانست، مادام که فواظ و عوامل بعین کننده سود و رفاییت می‌باشد، بکنولوزی نمی‌تواند بنحو احسنی مورد استفاده و در جهت رفاه واقعی انسانها قرار گیرد.

دوم دنده مسود، مطلق نبوده و کشورهای قوی در عین سبسم سوسکی با بکدیگر در بصاد بتر مناسبند. رنات‌های اقتصادی اس کشورها از بکلورات اس بصاد بنامند. مثلا امریکا، اروپای عربی و اس همگی برای بدست آوردن بارانهای کوباکسیون چنان با هم رنات می‌کنند لیکن بد سبسم سوسکی، اس رنات‌ها بخت سم بسود، امریکا که هم با اس و اروپای عربی رنات‌داند و هم رهبری چنان امربالسنم را بعهده دارد، در عین سبسم سوسکی همحس سادگی حاضر بد از بدست دادن بوموسی حوس بنامند. و برای انکار اگر لازم باشد همکاریا ر بصاد خود سعی اروپای عربی و اس را کوسمالی هم بدهند. فصل از آغاز بحران قوی الذکر، زاس با هیک سرمایه آوری رسد می‌گذرد و امریکانها سم آن دانست که سبار مدی اس حرب سبار حطرباک اقتصادی امربالسنم امریکا بود. بظن مرسد که یکی از اهداف بالا بردن سم بصاد بحانت کمناستهای نفسی امریکانی بوئی کوسمالی دادن بد اس در آرمان بود. حد اس بی‌س از هر کور امربالسنی بد بکردن مورد انرژی است بدر است. می سبسم که از آن سم دوران طلانی رسد و کوفانی اقتصادی امربالسنم اس بد ناپان رسید. با بوجه بد بکات بالا مسوان مطرح نمود که اگر عرض وجود بحرای تمام بحران انرژی بالا رغن سبسمها باشد، در حد صد در سم نون احسب سم بصاد بصاد اسار کالاهای بولند شده در کشورهای امربالسنی افراس بصاد است. بخصوص که کمناستهای نفسی امربالسنی که بصاد بی اداره‌ای در دولتهای امربالسنی دارند نیز از کوشش‌کوره‌های حوس سنی و الحرار و بیرونلا برای بالا بردن بهای نفت استعبال کرده‌اند، اگر معصور از بحران انرژی کمبود

فدائیان خلق

پدر خواندگان جنبش چپ!!

عملکردهای ضد همه احزاب سازمانی
 حرکتی فدائی خلق و مخصوص آنچه در
 مورد نظرات شورای همسنگی خلقیهای
 ایران در سخنرانی ۹ اسفند و سپس
 لغو مسنگ اعلام شده ۱۰ اسفند - در
 این رابطه انجام داده اند بسیار قابل
 مامل و بررسی است. فدائیان ما
 برحوردهای بسیار بادرست و غیر اصولی
 خویش نشان دادند که آنچه عمدتاً در
 صبی سیاسی و در روابط درون سازمانی
 شان حاکم بوده است، امروزه در سطح
 جامعه و در روابطشان با دیگر نیروی -
 های سیاسی امکان بروز یافته است.
 "تدرب" سازمانی همان رفتار را مسحور
 خود نموده که برای حساب بستن دادن
 به آن و حوادثی کردن "حادثه‌ای" که
 ضمن "کار دانی" و "کناسان" به هر رو
 بی شور بر آر کدسند است، زاده بحثه
 بحثی های دیگر حسن حساب ایران را در
 بین کشید. و حتی میسر از آن فدائیان
 زمانی به این مرحله از "رسد" و "بلوغ"
 سازمانی تا می یهند که همسو نیست
 اندنولوزیکان و شرایط جامعه "بحث
 آزاد" بی مدر، سازمانی را با اخب
 "تابویی" و "منره" می طلبد و نتجتاً
 بحثه بحثی های دیگر حسن حساب در -
 مکمل خویش را در نالودن از تمام
 کراسانی که هنوز مسئله مبارزه در
 تمام سطوح ممکن را در دستور کار
 خویش قرار دارد، می یابد. فابومیگ
 حسن ریدی شمار به آن دارد که روح
 مبارزاتی و رادیکالیسم سیاسی که
 وجه مشخص فدائیان نسل از تمام بوده
 است، به روحی مسح شده حساب کشر و
 معامله کر تبدیل شود. و الحق کسیه
 فدائیان در هر دو مورد - بحثه سایر
 نیروهای حسن حساب و کم کردن شور مبار -
 رانی اعضاء و هواداران کوشش
 شمار نموده اند.

* * * * *

فدائیان پدر الم رهگذر - بحثه -
 سایر بخشهای جنبش چپ - به اسکالیرا
 سی ها و سنگ اندازیهای "مرد - موم"
 و "معمول"، آنکونه که در حدیسی
 ماه گذشته شاهد آن بوده ایم، اکتفا
 ننموده و با دست یارییدن به غیر سیاسی
 برین و غیر دموکراسی نرسن سبوه های
 مومن، عملاً حسن حساب ایران را اهم
 در لحظاتی که بیت از هرمان دیگر
 احساج به همکاری و هموئی دارد به
 محادلات و کنتمکهای درونی غیر اصولی،
 طاقب فرسا و بی حاصل میکشاید. بحرات
 میتوان گفت که فدائیان در این زمینه
 - برخورد های غیر اصولی - به بدیها
 به احباء سن گذشته حزب بوده بردا -
 حدائد بلکه خود سر بدعت های
 تازه ای گذارده اند.

آنچه جدی بیش فدائیان در می یابد
 انجام دادند قدری زنت است که انتقاد
 از آن جنبی احساج به استدلال
 سیاسی و اندنولورسک ندارد. رفقای
 فدائی صرفاً "به دلیل وجود اختلاف نظر
 با جریان های سیاسی معروف به طرفداران
 مشی مسلحانه، به قصد ایجاد ارباب و بر
 هم زدن سخنرانی اشرف دهقانی در می یابا
 ، انزاد مسلح خویش را به محل مسنگ
 کسل مدارند، و بحال خویش بدین
 طریق - ارباب و رور - از بروز اصطلاح
 احمرانات اندنولوزیک در صفوف مبارزه
 مردم کردستان جلوگیری می نمایند. رفقا
 با همان نحوه استدلال، ملی تکرار
 میکنیم با همان نحوه استدلال مسنگ
 در مورد را مورد "لطف" قرار میدهند که
 بدافعان "رسم اسلامی" به مسنگ
 جریان مرفعی تا کزن حبله میگردد اند
 در هر دو جا، نقطه حرکت، نقطه
 حرکت از منطلق نسومیت است. در هر
 دو مورد جریاناتی که خود را قیم و
 پدر خوانده جنبش میدانند - یکی قیم
 جنبش چپ و دیگری قیم امت مسلمان - با

هر حرکتی که "اصدار" آنان را در حوره و
 حیطه فعالیتشان حتی برای لحظه ای زیر
 سؤال نکند مخالف بر محرز است.
 مسئله این نیست که این نیم مرفعی و
 آن دیگری از نحای است بلکه مسئله بر
 سر نفس "نسومیت" است. مسئله این
 است که نیمها هموار بجای "تعار" فکر
 میکنند، بجای آنان عمل می نمایند،
 خود را حافظ منافع آنان میدانند،
 حتی اگر این "تعار" دیگر آنجان که
 خود نیمها میدانند "تعار" نباشد.
 چرا که بدرجوابه، بدرخواسته است و
 همیشه حافظ منافع فرسندان خویش، حتی
 اگر فرسندان "حموس" باشد و بی به صلاح
 بدرجوابه بدهند. نتیجه آنکه نیم
 با والی و با آنطور که این رورها منگو
 بد، نقد، همانند خود کرده دیگر
 است و همواره بجای آنان عمل میکند.
 اما بر رو نیم، فهم است، چه "اسلامی"
 باشد و چه "کمونیست". اولی
 هیت صاء الحق و با فقه "تورک" را
 خواهد داشت و دومی هیت "اسنالیس" و
 بئل بول را.

اما عمل رفقای فدائی در این مورد
 یک "اربابی" بادرست و ناحی صرفاً
 یک "اشباه" نیست. چه اگر ارباب
 حسن بود آنکونه اعمال بطور سیسمان -
 نیک و در اسکال مختلف از جانب رفقا
 تکرار میکنند، و با حداقل با احساج
 "توریک" از جانب رهبری سازمان
 سوجه نمسد. در واقع خطرناکتر از خود این
 اعمال سطره با صحن کامل آنجانبان
 نیستی بر رفقا است که اینکونه رفتار را
 به رفتاری مدموم، بادرست و غیر انقلاب
 بی بلکه رفتاری "پرولسری"، "مصح"
 و "انقلابی" اربابی می نمایند.
 بی جهت نیست، که رفقای فدائی با چنین
 بیستی خود را محق میدانند که به تنها
 چنین رفتاری را نسبت به "دیگران"
 معمول دارند بلکه عندالزوم نموده ها

و هواداران خویش را با انواع مانورهای مصنوعی و غیرکمونستی از دست یافتن به حقایق مربوط به سازمان‌ها و مسی ساسی حاکم بر آن بازدارند.

باورنکردنی است، ولی اعلامیه مرکزی "آرروی سلامی امام خمینی" که در اکثر شهرهای ایران وسعا" پخش شد در کردستان بدست رفقای فدائی مانورند و حتی یک عدد از آن در مسان مردمی که پیش از دیگر مردم ایران واقعت "صد امیرالسنی بودن روحانیت مبارز" را درک و لمس نموده بودند، بخش بگردید.

نوحه ساخه کردستان سازمان حرکتیهای فدائی خلق در مورد انور اعلامیه مرکز روسی است: بوزخ حسین علامه ای با نوحه نه جو موجود صحیح است! پدر جواندگان جنسی در کردستان با این نتیجه میسرند و همس کافی است! و بحمداله جنس جهانی اسمالینسی و سن بوده ایسی خودمان نیز بحارب و نوحیه کافی را در انرسند اراسه

بیش از هرکس دیگری بهتر میداند در چه نظاره‌ای شرکت نمکند، بلکه برای از "مانهران" است. برای کسانی است که نه تنها از پنج و حمهای بازار "سیاست" مطلع اند، بلکه از حمله مصادر امورند و میداند که استخایابی در پس و ماطره‌ای در کار است! پس نباید اوضاع را نامسا عد نمود، سرری کرمس امیار باید نشان داد که بفاهم وجود دارد!! باید از همه "امکانات" سود جست، باید از "ساد" هیئت حاکمه بهره برداری کرد و تمام آن استدلالات آشنا و قدیمی که معمولاً در این مواز نگار شده مسود را ارائه داد. سرحال بدر حوایده بیس از هرکس دیگر فرار و سست مبارزه طبغالی مطلع است! بدر حوا نده مضمم اسرار سرک مردم در نظاره‌ای طرکبری نماید و ارایرو فریداس را سد میسک میدان آزادی در بردای آرور دعوب می‌کند.

اما فردای آن روز بسیاری با سعت

دادند. رفقا خود گفتند که آنچه را بعنوان "دس" ارزیابی مسامندنه سستم حاکم بلکه کراسات ارباعی دروسی است و سن علیهذا.

سخان رفقا بقدری کونا بود که دیگر احتیاجی نیست که ربح اسدلال را بخوس هموار نمائیم و سان دهم که برداس رفقا از مسئله "درکبری" و "احتجاب" از آن برداسی بیاسند بادر ساسات. رفقا علی الفاعده باید بدانند که "لیبرالها" و "آمریکا" از عدم اطاعت ما از فاسون ربح مسرند و بدالفکس. رفقا علی الفاعده باید آگاه باشند که اسناد دسحس "اسدلالی" ولو آنکه در سوسن "ناکسک" در آسانسه اسحایات به خورد حلق الله داده بود همان داسان معروف "سفری کنیم با..." اما شکل جدیدی است. و بالاحره رفقا علی الفاعده باید آگاه باشند که کویاه آمدن آیم در جنس مودی و در حسن لحظه‌ای حساسی که بی صدر

قیم و یا والی و یا آنطور که این روزها میگویند، فقیه، نماینده خودگمارده دیگران است و همواره بجای آنان عمل میکند. اما بهر رو قیمت، قیمت است چه "اسلامی" باشد و چه "کمونیست". اولی هیئت ضیاء الحق و یا فقیه "بزرگ" را خواهد داشت و دومی هیئت "استالین" و "پل پوت" را

میدهند

فدائیان با حرکت ارمین موضع - موضع بدر حوادکی - و سدلائل سیاسی دیگر، بر آن سدند که حتی المقدور اربو کراری نظاره‌ای سورای همیسکی خلفهای ایران در دفاع از حلق سرکمن طوکبری نمایند. ابتدا از طریق روزنامه‌های رسمی اعلام نمودند که این نظاره‌رات منعلق به سازمان آنان نیست و سسس هنگامی که نظاره‌رات مربوطه حتی بعد از لغو رسمی آن آغاز کردند، فدائیان بمید آمدند. و بدالینه نه برای بنیای و حتی رهبری آن که داعنا "حق مسلم خویش مسبدارند بلکه برای توضیح اس مسئله که نظاره‌رات از آن فدائیان نیست! فدائیان با سراس بلاکارده رما" و محدد استسباب اس نظاره‌رات بد سازمان را انکار نمودند. و براسنی در باور سربس نظاره‌کنندگان هم دریاسند که اس توضیح و ایسن انکار نه برای سرکب کنندگان که خود

در مسامند که فدائیان حلق بحاطر "احتجاب اردرکبری" مسسک حوس را لغو نموده اند! از یکسو ارسرکست اعما و هواداران سان در نظاره‌رات دیگران - سخانی که با صاره اسمان غلبه ارباع داخلی در داسان لیبرالها افناده اند!! - طوکبری مسمانند وار سوی دیگر سرکراری مسسک سازمانی را با صبح اربالی مسکند! چرا؟ آبا رفقا صرفاً "طریق حرم و احتیاط را سس گرفته اند که میاداسن "مسرک" یعنی لیبرالها و امیرسا - لسم امریکا سوسرید؟ و سار رفقا اسدلال دیگری دارند و برای سازمان دادن اعراض مردم راه دسگری را بیسناد می‌کنند. سعت سکید اگر نکوشم سسکدام. ماطره مسعروف تلویزیونی که در فرصنی دیگر مفضلاً به آن خواهیم برداخ کویا بر از آن بود که نتوان بیام واقعی را دریاسند!! رفقا درک واقعی خویش را از دولت ارباعش طبقات و ماسوره‌ای هیئت حاکمه نشان

بر آن اسد که نه دیکبوری سرامانه تکلی "ناسوی" و "مطغنی" سسد نه چه معنی است؟

اما لحظه دیگران مسوا سدمو؛ بر اسد، مکر آنکه در سحر و مسح کردن روح مبارر اعضا و هواداران کوسس شود. بدرخواستده اگر حوادهد در حظه کردن دیگران موقعی ساد وجود اسانه قادر بمعال عرصه نماید ساسددر "خانه" سسر "سکوب و احتیاط" رایر - سوار سماند. آغده سان حوادهدا که در اس امر جندر موقعی حوادهدود.

رهائی نشریه
سازمان وحدت
کنوسنی

بیانیه مشترک شورای همبستگی زنان

۱۸ اسفند روز جهانی زنان زحمتکش و مبارز

تاریخ از زمانی که حوامع به طبقات
نقسمت شد و روابط استعماری به نفع
اقلیتی حاکم و ستم‌طلب و ستمی
به اکثریتی روح کشیده بوجود آمد ،
صحنه حوینی است از جنک و فساد و خیزش
بوده‌ها برای کسب حقوق با بمال شده -
۸۰ سال . بوده‌های رنج‌دیده و محروم در
این مبارزه دائمی سان بر علیه ظلم و
ستم و استعمار ، امام حاضر را کسه
نادکار و نادویدی است از نکستی تلخ
و با بیروزی عظیم همسه نیاد سپرده و
آنها کرامی میدارند ، اهمیت این ایام
و بزه در آن است که نمایانگر ، نارکو
کننده و نحلی بارر یک مبارزه و آرمان
حق و والائی میباشد . ۱۸ اسفند (برابر
با ۸ مارس) روز جهانی زنان یکی از
این نادکار ها و نادویدهای ارزشمند
تاریخ زحمتکشان دسا میباشد .

مبدأ تاریخی این روز ، مبارزات
عظیم دهها هزار تن زنان کارگر کارخان
نحات نساجی آمریکا سال ۱۹۰۹ میلادی
یعنی ۷۱ سال پیش میباشد . در آن سال
۱۵۰ تن از زنان کارگر نکه در خانه
سراهن دوری در شهر نیویورک آمریکا
به قصد باره کردن زنجیر استعمار و
مبارزه بر علیه استعمار و بیادادگر
بهای چندلابه دست به اعتصاب کردند .
سرمایه‌داران زانو صفت طبق معمول
برای به زانو درآوردن ارزش رنج و کار
دستیبه سدت عمل زدند . اما در مقابل
بورژوازی سرمایه‌داران کارگران " اتحادیه
زنان یارجه بافا" و زنان کارگر در دیگر
اسارتگاههای کار ، با اعلام پشتیبانی
و همسنگی با یاران خود ، مبارزات
همانندی را دامن زدند . طولی نکشید
که هزاران زحمتکش بصورت یکپارچه
وارد کارزار مبارزه بر علیه سرمایه
داران گردیدند .

یکسال پس از این مبارزه عظیم
تاریخی ، بخاطر بررکداشت مبارزات
کلیه زنان زحمتکش و انقلابی جهان ، روز

مهدم اسفند از طرف نمایندگان زنان
انقلابی جهان که در یک کنفرانس در اروپا
کرد هم آمده بودند ، به نام روز بین
المللی زنان نامگذاری شد .

امپریالیستها و تمامی طبقات
مربح با هر آنحریریکه به سوخته مردم
آگاهی بخشیده و نادکاران با سداد
مبارزات و ناسپای او ، صدمت میورسد ،
و روز جهانی زنان یکی از این نادکار
رهاست . آنان به این روز حوصم
میورسد زیرا که نشانه حرکت سیمسی
از نیروی بریت (یعنی زنان) برای
گسستن زنجیرهای ستم و استعمار و ولان
از دست و پای حوین است . اما در عوض
سروهای مرفی و انقلابی این روز را
ارج نهاده و از آن برای آگاهی دادن
به سوخته مردم در مورد نفس پرارزش
زنان در مبارزات رهایی بخش بریت
از ضد ظلم و استعمار استفاده میکنند .
انقلابیون این روز را بزرگ میدارند
زیرا که معتمد بیروزی هر انقلابی
بدون شرکت فعال زنان ، بویزه زنان
زحمتکش در کلیه جنبه‌های سردا مرفی
است غیر ممکن .

در مین عزیزمان ایران ، زنان و
خصوصی زنان زحمتکش ، فریاد کسه
نحسبم و استعمار دولایه فرارداسته
اثر زخمهای تاریک این روابط بوسید
امصادی - اجتماعی - سیاسی و فرهنگی
کماکان بر بیکر و افکار آنان باقی
است . با وجود اینکه زنان زحمتکش
ایران همواره در کار کشاورزی و در
صنایع بطور مستمر شرکت داشته و نحسب
سبم و استعمار و حیانه اربابان و
سرمایه‌داران حاصل دسترنجان بغارت
میرفته ، اما تنها نفس اجتماعی که
طبقات مرتجع و فواین آنها برای زنان
قائل بوده‌اند زادن بجه و مراعت
از مرد و خانواده بوده است و هرگز
از هیچ کوبه آزادی و حقوق سیاسی ،
اجتماعی و امصادی برخوردار نبوده‌اند .

اگرچه هزاران بند و زنجیری که
بر دست و پای زنان ایران بوده آنان
را از آزادی محروم شکرده است ، اما
در تمامی ادوار تاریخ نحسبترین
شرایط همسه در سبکارهای حوین سر
علیه مرتجعین حاکم و اربابان امرو
نالیست آنها سرک داسه‌اند . زنان
آگاه و مبارز ایران آزادی خود را در
کرو آزادی کل جامعه دیده و دسفا " با
حرکتار همین اصل بوده است کسب در
فبام و خیزشهای احمر بر علیه رژیم
مردور شاه همواره در محاول حیثیه
سرد فرار کردند و سبکفروش خانانها
را با خون خود کلکون ناحسد . اما
هیهات که با عص قدرت سیاسی ارجاب
میوه حیسان و مرتجعین نفوذت یافته ،
زنان ایران همانند دیگر انصار و طبقه
مردم سبنا به حقوق خود برسند بلکه
با صوین قانون اساسی " حرکشان"
حقوق اجتماعی - امصادی و سیاسی سان
محدودتر هم کسه است .

خواهران و برادران مبارز :
منافع انقلاب و طبقات نحسبم
جامعه‌مان ، در فبام و مبارزه بر علیه
ستم و نابرابری اعمال شده بر زنان
نهفته است . بزرگداشت روز جهانی زنان
در حیثیت بیاد آوری این مسئله و ارج
بهادن به جانفانیها و مبارزات زنان
ایران در راه کسب آزادی و استقلال
نهائی مبهمان است . بزرگداشت روز
جهانی زنان همحنس بحدت سمان با
زنان آزاده و زحمتکش فلسطینی ، عمان ،
اربرسه ، صحرا ، سبکارا کونه ، ۵۰۰۰۰ در راه
رهائی شریفار حکام امروالیست ها و
نوکران آنها در سراسر جهان است .

* شورای همسنگی زنان (اتحادیه
انقلابی زنان مبارز - جمعیت بیداری
زنان - انجمن رهائی زنان - جمعیت
زنان مبارز - کمیته زنان حبه دمکرا -
نیک ملی) * اسفند ۱۳۵۸